



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۲۹

۳ آبان ۱۳۸۱

۲۵ اکتبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

خاصیت اتحاد، رای،

و رفاندوم نزد

رضا پهلوی

فاتح بهرامی

در یکسال و نیم اخیر، در شرایطی که برای جریان مشروطه خواهان نیز شکست پروژه خاتمی و اصلاح جمهوری اسلامی اثبات شد و آغاز پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر رژیم در ایران قطعیت یافته، آقای رضا پهلوی با پلانتفرم امروز فقط اتحاد" به فعالیت جلی تری دست زده اند. در اینمدت و بویژه اخیرا ایشان در مصاحبه با رسانه ها یک موضوع را تاکید و تکرار میکنند: تلاش برای فراهم کردن یک شرایط انتخابات آزاد که مردم ایران از طریق یک رفاندوم حکومت مورد نظرشان را انتخاب کنند. میگوید برخی نیروهای سیاسی از تلاش وی حمایت میکنند و البته با توجه به اهمیت احترام به رای مردم" قرار بر اینست و شرط بوجود آوردن آن شرایط انتخابات آزاد اینست که هیچ نیروی سیاسی از هم اکنون از آلترناتیو سیاسی خود حرفی نزنند و فقط در خدمت فراهم کردن شرایط مذکور برای انجام رفاندوم عمل کنند! فکر میکنند "نافرمانی مدنی مردم بدور از خشونت" جمهوری اسلامی را به سراشیب سقوط میبرد و در دوره فعالیت آزاد سیاسی میشود در یک روز آفتابی مردم به جمهوری یا حکومت پادشاهی رای دهند.

آن بخش از مردم ایران که اسم آقای رضا پهلوی بگوششان رسیده، بیشتر از هر چیز این را میدانند که او "شاهزاده" است و دوست دارد بعد از جمهوری اسلامی "پادشاه" ایران شود. روش تحقق این آرزو البته در تبلیغات امروز از جانب ایشان با کمی دمکراسی آغشته است، "رفاندوم" قرار است تعیین کند. بگذاریم که معلوم نکرده چه کسانی میتوانند کاندیدای پست "شاه" بشوند. مثلا در خود "خاننان پهلوی" آیا فقط او بدلیل مرد بودن میتواند کاندید باشد؟ دیگران چطور، آیا چیزی شبیه "نظارت استصوابی" یا "گارد حفاظت از وارث تاج و تخت" برای رد صلاحیت مردم عادی کاندیدای شاه شدن وجود دارد؟ میدانم که چون "امروز فقط اتحاد" اهمیت دارد، پرداختن به اینها لازم نیست. به تاکیدات امروزشان میپردازم. اولین نکته عجیب در تبلیغات آقای رضا پهلوی اینست که اصرار دارد احزاب سیاسی امروز ابراز نظر را کنار بگذارند و از آلترناتیو سیاسی خود حرفی نزنند، چون احترام به رای مردم مهم است، چون اساس اتحاد است! باید انصاف داد که خودشان

جنبش کارگری گامی به پیش

شهلا دانشفر

نقطه شروع و تجربه بزرگی برای برداشتن اولین گامها در این سطح از سازماندهی است. در مبارزات هماهنگ کارگران در کرمانشاه و نیز در اصفهان و در گیلان ما اهمیت ارتباط بین کارگران معترض و رهبران کارگری در سطح کارخانه های مختلف و تدارک سازماندهی حرکتی وسیعتر و فرارخانه ای را دیدیم. حرکتی که توانست در فضای سیاسی یک شهر تاثیر و نقش داشته باشد. اینها همه گامهای مهمی است که در این دوره جنبش کارگری به جلو برداشته و با اتکا به آن میتواند گامهای فزاینده ای را بردارد. همچنین دخالتگری سیاسی نیز به جلو بردارد.

اما نکته ای که امروز بیش از هر وقت باید به آن توجه کرد، تاکید بر نقشی است که کارگران صنایع کلیدی مانند کارگران نفت، ذوب آهن، تواتر، ماشین سازیها، و کارگرانی است که جایگاه کلیدی تری در اقتصاد جامعه دارند. به میدان آمدن این بخش از کارگران در شرایط کنونی تحولی جلی در وضعیت جنبش کارگری و فضای سیاسی کل جامعه خواهد داشت. بویژه در شرایط امروز که عمدتا محور اصلی اعتراضات کارگری مساله دستمزدهای معوقه و مساله اعتراض علیه اتحادهاست، به میدان آمدن و اتحاد و همبستگی کارگران مراکز کلیدی ای چون کارگران نفت و کارخانجات بزرگ به کارگرانی که در معرض اخراج هستند و یا ماههاست دستمزدی نگرفته اند قدرت و توان بیشتری خواهد داد و کل طبقه را در موقعیت بهتری قرار میدهد.

تحولات سیاسی کنونی و روند رو به رشد اعتراضات کارگری هر روز توازن قوا را بیش از پیش به نفع اعتراضات کارگری و کل جامعه تغییر میدهد. امروز شرایط بیش از هر وقت برای دخالت طبقه کارگر در امور جامعه و قرار گرفتن آن در مرکز صحنه سیاسی فراهم است. در چنین شرایطی نقش کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران تعیین کننده است. امروز همه سرها بطرف طبقه کارگر خم شده است. ■

اعتراضات دانشجویی در آغاز سال جدید و نیز اعتراض هزاران دستفروش در کرمانشاه و غیره مهر باطلی بر این تلاش زده و اجازه نداده است که توازن قوا به ضرر اعتراضات توده های به جان آمده در سطح جامعه تغییر کند. میتوان گفت که مبارزات کارگری تا همینجا نقش مهمی در روند اوضاع سیاسی ایران ایفا کرده است.

از جنبه های قابل توجه در این اعتراضات درجه بالای اتحاد و همبستگی کارگری در میان کارگران و سازماندهی اعتراضات هماهنگ چندین کارخانه و مرکز کارگری در مقابل مراکز دولتی و راهپیمایی و تظاهرات مشترک کارگران است. این شکل از حرکت نقش و جایگاه سیاسی محسوستر و روشن تری به مبارزات کارگری در این دوره داده است و بیش از هر چیز نمایانگر نقشی است که رهبران کارگری و کارگران کمونیست در این مبارزات ایفا میکنند. نمایانگر نقش و تلاش این رهبران در هماهنگ کردن مبارزات کارگری در سطحی فراتر از یک کارخانه و در سطح یک منطقه و حتی یک شهر است. این گامی به جلو در مبارزات کارگری در این دوره است که به آن قدرت و اعتماد به نفس میدهد.

پیشرویهایی که جنبش کارگری در همین دوره به لحاظ اشکال مبارزه و سازماندهی از خود نشان داده، میتواند بعنوان یک تلاش برای سازماندهی و گسترش مجامع عمومی کارگری در سطحی سراسری و در تمام مراکز کارگری مورد توجه قرار گیرد. برای سازماندهی و ایجاد شوراهای منطقه ای کارگری باید تلاش کرد و گام برداشت. شوراهایی که میتوانند هر کدام توسط رهبران کارگری در یک منطقه شکل بگیرند و ارتباط بین کارگران معترض و مبارز در کارخانه های مختلف را تأمین کنند و با متحد کردن کارگران در مجامع عمومی کارگری مبارزاتی گسترده و سراسری را سازمان دهند. شوراهایی که سخنگوی واقعی کارگران باشند و به رای و تصمیم مجامع عمومی کارگری متکی گردند. حرکت هماهنگ کارگران در کرمانشاه

مبارزات کارگری در هفته های اخیر شتاب بیشتری بخود گرفته و دامنه آن هر روز گسترده تر میشود. هر روزه بودن این مبارزات، تبدیل آنها به اشکالی چون راهپیمایی و تظاهرات و هماهنگ عمل کردن چندین کارخانه در بسیاری از شهرها فضای سیاسی را تغییر داده و توجه جامعه را بسوی کارگران جلب کرده است. کارگران میتوانند از این پیشروی برای اتحاد محکم تر صفوف خویش و به عمل در آوردن سطح بالاتری از تشکل بهره گیرند.

خبر اعتصاب کارگران پتروشیمی و کارگران پالایشگاه آبادان در هفته های اخیر امید جلدی در دلها افکند و سرافزای است بر به میدان آمدن دیگر بخش های کارگری. همچنین روز ۲۰ مهرماه شاهد اعتراض و راهپیمایی همزمان کارگران چهار کارخانه در کرمانشاه و پیوستن کارگران بیکار به صف کارگران معترض و حمایت مردم و تجمع آنها در مقابل اداره کار این شهر بودیم که باعث شد کارگران به مرکز قتل مهمی در فضای سیاسی شهر تبدیل شوند. در اهواز نیز اعتراضات مکرر کارگران لوله سازی اهواز در سه هفته اخیر و راهپیمایی آنها در خیابانهای اصلی شهر فضای سیاسی شهر را تغییر داد و اعتراض کارگران به موضوع بحث مردم شهر تبدیل شد. اعتراض همزمان دو کارخانه در کیلان، اعتراض کارگران کارخانه سیمین اصفهان، تجمعات بی در پی کارگران چیت ری، و نیز اعتراض کارگران کفش ملی که اقدام به بستن جاده کردند و نماینده اداره کار را وادار نمودند در تجمع اعتراضی آنها شرکت کرده و به اعتراضاتشان پاسخ گوید، همه و همه قدرت گیری و پیشروی جنبش کارگری در دوره اخیر را نشان میدهد. بویژه این اعتراضات در شرایطی روی میدهد که رژیم با موجی از حلق آویز کردن و اعدام در ملاء عام و با سنگسار و سرکوب میگوید تا موج اعتراضات در سطح جامعه را عقب براند و فضای رعب و وحشت را حاکم کند. اما دور جدید مبارزات کارگری بهمه اعتراضات افشار دیگر جامعه از جمله شروع

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

اکسیونهای حزب کمونیست کارگری علیه اعدامهای اخیر در ایران

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت کلیه اعضای دفتر سیاسی و حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی در تاریخ ۱۹ و ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲ (۲۷ و ۲۸ مهرماه ۱۳۸۱) تشکیل شد. در این جلسه گزارش هیات دائم دفتر سیاسی، اوضاع ایران و بنیاد سرنگونی جمهوری اسلامی و موقعیت کردستان بویژه با تضعیف بیشتر دولت اسلامی و سیاستهای حزب کمونیست کارگری ایران مورد بحث قرار گرفتند. در بخش گزارش مسائل مربوط به پخش برنامه تلویزیونی حزب، فعالیت حزب در کردستان، گزارش هیاتی از دفتر سیاسی که در جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق شرکت کرده بود و گزارش مالی صنوق مرکزی حزب مورد بحث قرار گرفتند. در ارتباط با

اوضاع سیاسی ایران دفتر سیاسی بعد از بحث نسبتاً تفصیلی کمیسیونی را برای تهیه اسناد لازم برای جلسه آینده دفتر سیاسی انتخاب کرد. اعضای این کمیسیون عبارتند از حمید تقوایی، رحمان حسینزاده، اصغر کریمی، آذر ماجدی و کورش مدرسی. در بحث مربوط به کردستان سیاست حزب در قبال خارج شدن کنترل کردستان از حاکمیت جمهوری اسلامی قبل از سرنگونی رژیم مورد بحث قرار گرفت. دفتر سیاسی در این جلسه هیات دائم دفتر سیاسی را بشرح زیر انتخاب کرد: رحمان حسینزاده، آذر مدرسی، فاتح شیخ‌الاسلامی، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، حسین مرداییگی (حمسور). بعلاوه دفتر سیاسی کورش مدرسی را به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی، که در عین حال

ریاست هیات دائم دفتر سیاسی را نیز برعهده دارد، انتخاب کرد.

دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اکتبر ۲۰۰۲ (۲۹ مهر ۱۳۸۱)

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران
به دیگران اطلاع بدهید
radio7520@yahoo.com
Tel: 0044 7714611099
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0046 8 659 0755
رادیو انترناسیونال روی اینترنت
www.radio-international.org

جنایت برانگیختند. در این تظاهرات ها کادرهای حزب در مورد اعدامهای اخیر در ایران، استیصال و زبونی جمهوری اسلامی، ضرورت مقابله بین المللی با این وحشیگری سخنرانی کردند و مردم را به اعتراض علیه جمهوری اسلامی فرا خواندند.

همبستگی وسیع و عمیق مردم شریف و آزادیخواه با تظاهرکنندگان و پیوستن تعداد قابل توجهی از آنان به صف تظاهرات، به نوبه خود قابل توجه بود. صدها نفر نامهای اعتراضی علیه اعدام در ایران و در محکومیت رژیم اسلامی را امضا کردند و با کادرها و فعالین حزب به بحث در مورد اوضاع سیاسی ایران و آینده آن، ضرورت فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی و مسائل دیگر مربوط به ایران پرداختند.

روز شنبه ۱۹ اکتبر ۹ شهر اروپا شاهد تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه اعدام و جنایات جمهوری اسلامی بود. شعارهای "مرگ بر رژیم ترور شکنجه، اعدام"، "زنده باد آزادی، زنده باد برابری" در خیابانها طنین افکند.

این تظاهرات ها در شهرهای برلین، لندن، استکهلم، گوتنبرگ، مالمو، بودن، هلسینبورگ، بورس، اتاوا، و اسلو برگزار شد. در اکثر این تظاهرات ها شرکت کنندگان با در دست داشتن پرچمهای سرخ، عکسهای مارکس و منصور حکمت این مدافعین انقلابی آزادی و انسانیت، پلاکاردهائی در محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی و تصاویری از اعدامهای اخیر که اوج توحش جمهوری اسلامی را نشان میداد، توجه مردم را به خود جلب کرده و نرفت آنان را از این همه وحشیگری و

مردم رعیت نیستند که شاه بخوانند آنگاه قانع کردن مردم به رای دادن به نظام مشروطه پادشاهی کار ساده ای نیست، آتم مردمی تشنه آزادی در ایران که یکبار رژیم سلطنت را در آن مملکت جارو کردند.

درباره رفاندوم هم باید تاکید کنم که اولاً روشی برای کردن گذاشتن به اراده مردم نیست، بلکه، بخصوص آنجا که بر سر تعیین نوع یک حکومت است، اساساً روشی برای مشروعیت بخشیدن به حکومتی است که بنوعی مستقر شده و نیرویش را در جامعه گسترانده است. ثانیاً رفاندوم ایشان، با توجه به آنچه بالاتر گفته، خاک پاشیدن آموز دستانی هم میداند که در ایران از طریق بازبهای دموکراسی و رفاندوم رژیم سلطنتی سر کار نخواهد آمد. آن رفاندومی که قرار است بین جمهوری و پادشاهی یکی را به حکومت ایران تبدیل کند، شاید با حضور سربازان آمریکائی و احتمالاً همراه با "تظارت سازمان ملل" به رویاهای رضا پهلوی نزدیکتر است. در اینصورت البته اگر پادشاهی رای نیابرد ایشان برای کاندید شدن رئیس جمهور آن جمهوری مورد حمایت آمریکا هم که قرار است سرمایه داری ایران را بر اساس کار و زرزان و کارگر خاموش و یک نظام سیاسی مبتنی بر استبداد پلیسی - نظامی بازسازی کند، مشکل خواهد داشت، که البته لازم میشود در کنار بی حقوقی مردم کارگر و زحمتکش و بی عدالتی حاکم بر جامعه مقداری به آن رنگ یک دموکراسی از نوع ترکیه هم زده شود. این رفاندومها، که نمونه های آنها در دنیا نشان داده است، وظیفه اش سد کردن اعمال اراده مردم

از صفحه ۱

خاصیت اتحاد، رای، و رفاندوم نزد رضا پهلوی

طرفی درباره محتوای جمهوری اسلامی چیزی بمرم نگفت و از طرف دیگر با بدست گرفتن ارگانهای قدرت و سرکوب و تبلیغات، فرصتی برای جریان دیگری باقی نماند. اما این امید بستن یک اشکال کوچک دارد، اینکه مردم یکبار دیگر تن به این ترفند سیاسی نمیدهند. اگر ریکی در کنش نباشد، اساسی ترین عنصر در احترام به رای مردم در آنجا که انتخابی از طریق رای قرار است صورت بگیرد، عنصر آگاهی و اطلاع مردم است. اگر مردم ندانند، اگر اهدافتان را نشانند، اگر نتوانند بین آلتزاتیوهای موجود مقایسه کنند و با چشم باز انتخاب کنند، آنگاه درست انتخاب نمی کنند و مطابق میل و اراده شان رای ندهد. در اینصورت شما نیز به رای واقعی آنها احترامی نگذاشته اید، اینجاست که دم خروس احترام به رای مردم" از زیر شتل بیرون میزند! اتفاقاً قبائی که اینها میخوانند به تن احزاب سیاسی بلوزند، کاملاً اندازه و مناسب حال جریان سلطنت طلب و ناسیونالیسم طرفدار آمریکاست. زیرا آگاهی مردم و امکان یافتنشان برای اعمال اراده خود مانع از قدرت گرفتن این جریان است. روشن است که احزاب سیاسی جلی ای که حقوق و حرمت و رفاه و آزادی مردم مساله شان باشد هر چه بیشتر اصرار دارند که مردم ایران این آگاهی را کسب کنند و امکان اعمال کردن اراده شان را بیابند. بهمین دلیل سکوت خود آقای پهلوی درباره آلتزاتیو سیاسی خود در خدمت پوشیده نگاهداشتن اهداف سیاسی اش نزد مردم است. چون اگر

هم در این باره چیزی نگفته اند و اگر مبنا فقط حرفهای رضا پهلوی باشد، مردم نمیدانند در رژیم فرضی شاهي بعد از جمهوری اسلامی چه بسرشان میاید.

یک سوال ساده اما مهم مردم اینست که چرا حرف زدن روشن و بی پرده از آلتزاتیو سیاسی احزاب و مختصات و مبانی این آلتزاتیوها برای حکومت آینده ایران با احترام به رای مردم در متن مبارزه علیه نکت جمهوری اسلامی تناقض دارد؟ نامطمع نگهداشتن مردم از امیال و اهداف نیروهای سیاسی و علم طرح روشن اختلافات آنها چرا به بهانه امروز فقط اتحاد" میشود احترام به رای مردم؟ کدام منافع اصرار دارد که مردم ندانند، و کدام نیروی سیاسی روی ناآگاهی مردم از اهداف حزبی امید بسته است؟ واقعیت اینست که پاسخ به این سوالات رضا پهلوی و جریان سیاسی اش را به محصه میدانزد. اتفاقاً حکمت حرف زدن درباره برنامه ها و اهداف احزاب سیاسی برای امثال آقای رضا پهلوی در این نهفته است که اگر مردم نتوانند از محتوای آلتزاتیوهای نیروهای سیاسی مختلف سر در بیاورند آنها ممکن است شانس بیشتری برای نیرو جمع کردن داشته باشند. بنظر میرسد که تجربه رفاندوم اوایل سال ۵۸ با سوال "جمهوری اسلامی آری یا نه" برای سلطنت طلبان امروز یک نمونه تاریخی موفق و کارساز برای اتخاذ سیاست امروز فقط اتحاد" و "رفاندوم" بدست داده است. چون خمینی از

میشوند حتی دست به اسلحه ببرند بخاطر اینست که حکومت با رفاندوم کنار نمیرود و مردمی که با ایشان در خیابانها و با فریادشان در تظاهراتها به رفتن حکومتی رای میدهند، متاسفانه آن حکومت به رای مردم احترام نمیکند! چکار باید کرد؟ اما پیام آقای پهلوی در این "نافرمانی مردم بدور از خشونت" چیز دیگری است. ایشان میگویند مردم به پادگانها حمله نکنند، مراکز دولتی را تصرف نکنند، رادیو و تلویزیون را در دست نگیرند، در یک کلام خواهان این هستند که مردم علیه حکومت قیام نکنند. چون اگر قیام کنند، آن مردم حکومت خودشان را پیاده میکنند و جانی برای رفاندومی که ایشان به آن دل بسته اند، نماند. آقای پهلوی امیلوار است و تلاش میکند که شرایطی ایجاد شود که اینبار هم ماشین دولتی و ارگانهای سرکوبگر آن از تعرض مردم مصون بمانند و تحویل رژیم آینده داده شود تا روز از نو روزی از نو و حکومت جدید کارش را بکند، حق مردم یک رای دادن است!

اما مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی و بدست آوردن آزادی و برابری و برپائی یک جامعه شایسته انسان به میدان آمده اند. انتظار و خواست مردم ایران از جامعه ای آزاد و برابر و بری از تبعیض و بی حرمتی به انسان با انتظارات و خواست شما برای آینده آن مملکت خوانائی و نزدیکی ندارد. این مردم لازم میدانند درباره افق و برنامه و اهداف جریانات دخیل در صحنه سیاسی ایران بیشتر بدانند و باید بیشتر گفته شود. ■

است. یک "روش دموکراتیک" برای جلوگیری از تحقق آزادی است و قرار است مبارزه مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خودشان را متوقف کند.

و بالاخره، درباره "نافرمانی مردم بدور از خشونت" که در طرح رضا پهلوی قرار است به سرنگونی جمهوری اسلامی بیانجامد و نوبت رفاندوم برسد، اشاره ای لازم است. نیاز به گفتن ندارد که این نافرمانی منفی نیست که جمهوری اسلامی را سرنگون میکند. مردم اگر جمهوری اسلامی را سرنگون نکنند، اگر طبقه کارگر به میدان نیاید و اعتصابات سراسری کارگری زمینگیرش نکند و اعتراضات سراسری و میلیونی مردم نباشد، جواب نافرمانی باز هم اعدامهای خیابانی است. اما اطلاق کلمه خشونت به حرکت مردم و قاتل شدن به اعمال خشونت بالاقره توسط آنان در مقابل یکی از هازترین رژیمهای تاریخ قبل از اینکه یک رژیم مخالف خشونت باشد، عوامفریبی آشکار است. اگر کشتار مردم در تظاهرات ۱۷ شهریور میدان ژاله بدستور ابوی از یاد آقای رضا پهلوی نرفته باشد، "خشونت" مردم و اسلحه آنان فقط فریاد و تجمعشان بود. ساواک و ساواما، زندان و دادگاه، شهرنایی و کمیته، پاسبان و پاسدار و اسلحه همه در دست رژیمهای شاهنشاهی و جمهوری اسلامی بود که علیه مردم معترض به بی حقوقی و بی عدالتی بکار گرفته شده اند، و شما هنوز به مردم عدم خشونت را اندرز میدهید؟ رژیمهای استبدادی همیشه وقتی تظاهرات مردم را به گلوله بسته اند و آنان را بخاطر عقایدشان به زندان انداخته اند گفته اند دست به خشونت زدند. در یک قیام علیه یک حکومت جنایتکار و مستبد که مردم مجبور